

فصل‌نامه علمی تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)

دوره ۱۴، شماره ۵۳، پاییز ۱۴۰۱، صص ۱۴۱-۱۴۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۱۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۵

(مقاله پژوهشی)

DOI: [10.30495/dk.2022.694816](https://doi.org/10.30495/dk.2022.694816)

نمودهای فرهنگ عامه در خاوران‌نامه ابن‌حسام خوشفی

صدیقه کریمی^۱، دکتر محمدرضا امینی^۲

چکیده

خاوران‌نامه ابن‌حسام منظومه‌ای که داستان‌های خیالی از سفرها، دلاوری و جنگ‌آوری‌های حضرت علی (ع) با کفار را در قالب و زبانی شبیه به شاهنامه روایت می‌کند، غالباً اثری حماسی شمرده می‌شود، هرچند با بررسی بیشتر می‌توان نشان داد که فزونی‌یافتن ویژگی‌های ادبیات عامیانه در تار و پود این منظومه، آن را تا حد زیادی از تعریف حماسه رسمی دور و به ادبیات عامیانه نزدیک کرده است. مقاله حاضر می‌کوشد مهمترین نمودهای فرهنگ عامه در این اثر را مشخص و ریشه‌ها و چگونگی کاربرد آنها را بیان نماید. برای رسیدن به این هدف، نخست باورهای برخاسته از توده مردم و سپس برخی از ویژگی‌های عامیانه دیگر در زبان و شیوه روایت که در اشعار و مفاهیم خاوران‌نامه بازتاب یافته، استخراج شده است. این جستار به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده و در جستجوی آن است که چرا باید خاوران‌نامه را پدیده‌ای ادبی برخاسته از بطن زندگی مردم عادی دانست که به دلیل ارتباط مستقیم ابن‌حسام با توده‌های مردم به‌گسترده‌گی با مظاهر گوناگون زندگی و ذهن و زبان توده مردم به شیوه‌های مختلف درآمیخته است. دست‌آوردهای این کاوش در علل و چگونگی حضور چشم‌گیر نمودهای فرهنگ عامه در خاوران‌نامه است و می‌تواند زمینه را برای تعیین دقیق‌تر جایگاه این حماسه دینی در ادبیات عامیانه فراهم آورد.

کلیدواژه‌ها: ادبیات عامیانه، فرهنگ عامیانه، حماسه‌های دینی، خاوران‌نامه، زبان عامیانه.

^۱ دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

^۲ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. (نویسنده مسؤل)



مقدمه

در طول تاریخ در کنار ادبیات رسمی ایران، ادبیات ساده و بی‌ریای توده مردم رشد کرده که آن را در اصطلاح ادبیات عامیانه گفته‌اند و در تاریخ ادبیات و سبک‌شناسی آن‌گونه که باید بدان توجه نشده است. بخش مهمی از این رویکرد ادبی را نفوذ فرهنگ عامه در داستان‌های حماسی تشکیل می‌دهد.

ادبیات فولکلوریک و نفوذ عناصر عامیانه از دوره مغول در آثار ادبی فارسی گسترش می‌یابد و در دوره تیموری و صفوی به اوج می‌رسد. در واقع ویرانگری مغول و ایلغارهای تیمور سبب شد تا اثری عمیق بر ناخود آگاه جمعی گذاشته شود؛ ضمن اینکه از هم‌گسیختگی سیاسی و رسوم درباری باعث شد تا شعر فارسی از انحصار دربار بیرون بیاید و جنبه غیرادبی و عمومی بیابد. شاعران که از حمایت‌های درباری ناامید شده بودند؛ امیدی جز پسند مردم عادی نداشتند و انگهی در این عصر ضعف اندیشه‌های ملی سبب شد تا حماسه‌سرایان به جای سخن‌گفتن از سلحشوری‌های قهرمانان ملی به قهرمانان دینی یا تاریخی پناه ببرند. در نتیجه گروهی مناقب‌خوان به وجود آمدند که در کوی و برزن در مدح امام‌علی(ع) و دلاوری‌های او شعر می‌خواندند. به همین سبب حماسه‌سرایی دینی به وجود آمد و ابن‌حسام از مناقب‌خوانان معروف بود.

بررسی منظومه خاوران‌نامه ابن‌حسام نشان می‌دهد که وی با توده مردم ارتباط مستقیم داشته تا حدی که بهتر است آن را یک منقبت‌نامه شیعی به‌شمار آوریم زیرا خاوران‌نامه از دل عوام برخاسته و ویژگی‌های نوع ادب حماسی رسمی را از دست داده است. از سوی دیگر قصه‌های ابن‌حسام که درباره جنگ حضرت علی(ع) بیان شده؛ همانندی بسیاری با داستان‌های آن حضرت(ع) در زبان مردم کوچه و بازار دارد. ابن‌حسام در سرودن این منظومه بسیاری از ویژگی‌های عامیانه مردم تاثیر پذیرفته است و به همین سبب سروده او به سبک ادبیات فولکلوریک متمایل شده است.

در نگاه نخست به خاوران‌نامه باورها و پندارهای عامیانه مشاهده می‌شود. زیرا ابن‌حسام تحت تاثیر فرهنگ قومی خود است و در واقع مسائلی را طرح می‌کند که نمودار اندیشه‌هایی است که از ضمیر جمعی برمی‌خیزد، افزون بر آن مهمترین ویژگی خاوران‌نامه یعنی طرح مسائل غیرعادی و رویدادهای شگفت‌انگیز که خود زمینه عوام‌پسندانه روایت را غنا می‌بخشد. اساسا

شعرای مناقب‌خوان شیعی در حماسه‌های دینی به بیان جنبه‌های اعجازگونه می‌پرداختند تا اعتقاد شیعی مخاطب عام را راسخ‌تر کنند. آنها نیز با شنیدن رویدادهای شگفت‌انگیز بیشتر جذب می‌شدند. زیرا بیان دلیری و پایداری پیشوایان دینی در برابر مصائب به شکل عادی در ذهن مخاطب عام چندان اثر نمی‌کند، بنابراین در این منظومه‌ها برای جذب بیشتر داستان و افزودن اعتقاد مخاطب، قهرمانان را با حوادث مهیج و شگفت‌انگیزی وصف کرده‌اند. از سوی دیگر در خاوران‌نامه اغلب روایات مردم عادی در قالب حرکات و رفتارهای عامیانه‌ای بروز می‌کند که نمایشگر رفتار توده مردم است اما در فرهنگ و ادب رسمی دیده نمی‌شود.

جلوه دیگری از گرایش به عوامانگی در ابن‌حسام تمایل وی به استفاده از زبان مردم عادی روزگار خود است. او هرچند می‌کوشد با تقلید از شاهنامه و زبان ادبی گذشته مشابه‌سازی کند؛ اما باز هم در هماهنگی با زبان مردم عصر خود به شکل عامیانه روی می‌آورد و می‌کوشد از زبان ساده و ملموس عوام بر تاثیرگذاری بیشتر توده مردم بیافزاید. به‌طور کلی مهم‌ترین نمودهای فرهنگ عامه در خاوران‌نامه را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

۱. انعکاس پندارها و باورهایی که از درون مردم برخاسته است.

۲. بیان رویدادهای شگفت‌انگیز و عوام‌پسند.

۳. حرکات و رفتارهای عامیانه.

۴. به‌کارگیری زبان عامیانه.

پژوهش حاضر بر آن است که این عناصر چهارگانه را در خاوران‌نامه به دقت مورد بررسی قرار دهد.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی تحلیلی و مستقل درباره خاوران‌نامه از منظر ادبیات عامیانه صورت نگرفته است اما پژوهش‌های معدود دیگری صورت گرفته که به مهمترین آنها اشاره می‌کنیم: محمدرضا راشد محصل (۱۳۷۸) در مقاله «خاوران‌نامه، یک حماسه تاریخی یا عامیانه» نشان می‌دهد که خاوران‌نامه با حوادث خارق‌العاده پیوند یافته و دارای شخصیت‌هایی از پرداخته ذهن مردم عادی است. در نهایت این اثر را منقبت‌نامه دینی می‌نامد.

محمدجعفر محبوب (۱۳۷۸) در کتاب «ادبیات عامیانه ایران» در بخش پدیدآمدن حماسه‌های

دینی این کتاب به موجودات افسانه‌ای و عیاری به‌عنوان جلوه‌های عامیانه این منظومه‌ها اشاره کرده است.

حسینعلی بیهقی (۱۳۷۸) در مقاله «حماسه دینی شفاهی در ادب عامه» به ویژگی‌های ادب حماسی عامه از جمله تخیل، افسانه و توانایی فوق‌العاده قهرمانان اشاره می‌کند.

محمد مهدی ناصح (۱۳۷۸) در مقاله «خاوران‌نامه نوش داروی جان‌بخش..» به شناخت شعر خاوران‌نامه پرداخته و بر این باور است که این اثر دارویی جهت اقناع معتقدان ولایت است.

نعمت‌الله کاووسی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با نام «خاوران‌نامه» داستان‌های خیالی و افسانه‌ای را از ویژگی آن برشمرده و سپس به بررسی نگاره‌های آن پرداخته است.

بنابراین تاکنون تحقیق مبسوطی و کاملی انجام نشده است که بتواند جلوه‌های فرهنگ عامه را در خاوران‌نامه نشان دهد. این پژوهش می‌کوشد با دقت به این موضوع پرداخته و جوانب مختلف آن را نشان دهد.

روش تحقیق

با توجه به اینکه موضوع این پژوهش، در حوزه ادبیات فولکلوریک و تاثیر فرهنگ عوام بر اثری حماسی است، لذا روش گردآوری اطلاعات تحقیق، کتابخانه‌ای و تحلیل محتوایی است. ابتدا با مطالعه کتاب‌ها و نسخه خطی خاوران‌نامه، یادداشت برداری‌های لازم صورت گرفته و سپس داشته‌ها و نمونه‌ها تحلیل شده‌اند.

مبانی تحقیق

ادبیات عامیانه

ادبیات عامیانه، رویکردی ادبی است که نمایانگر سلیقه‌ها و احساسات مشترک توده مردم است که به شکل‌های گوناگون تجلی پیدا می‌کنند. این گونه ادبی: «بیانگر تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های زنده و گویای مردمی است که احساسات خود را به صورت دست‌نخورده مطرح می‌کنند» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۷۸). از فایده‌های دیگر مطالعه ادبیات عامیانه دست‌یافتن به آگاهی‌هایی در باب اجتماع ایرانی از دیدگاه جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی و تاریخ و اندیشه‌ها و شرح آداب و رسوم و سنن‌ها و فرقه‌های گوناگون محبوب و منفور جامعه عیاران و جوانمردان و دزدان می‌باشد (ر.ک: محجوب، ۱۳۸۶: ۱۵۸). مطالعه ادبیات عامیانه کمک شایانی به کشف نهفته‌های شفاهی و عامیانه در طول تاریخ می‌کند. چنانکه به‌حق درباره اهمیت آن گفته شده

است؛ «بدون شناخت ادبیات فولکور، شناخت تاریخ ملت‌ها ممکن نیست» (سپیک، ۱۳۸۸: ۱۳). بخشی از ادبیات عامیانه را داستان‌هایی تشکیل می‌دهد که بنابر نظر محققان خود به چندین دسته تقسیم می‌شود:

الف-داستان‌هایی که متأثر از باور عوام راجع به موجوداتی چون دیو و پری هستند و گاه حتی جنبه اسطوره پیدا می‌کنند.

ب-داستان‌هایی مانند داستان امیرارسلان که زاده قریحه انسان‌ها هستند و ریشه تاریخی ندارند.

ج-داستان‌هایی مانند ابومسلم‌نامه و رموز حمزه که ریشه تاریخی یا حماسی دارند اما بر اثر گذشت زمان بخش بزرگی از صبغه تاریخی خود را از دست داده و با جلوه‌های افسانه‌ای درآمیخته‌اند.

د-داستان‌های دینی مانند خاوران‌نامه و مختارنامه که انگیزه قهرمانان آن جنگ با کفار است (ر.ک: فاضلی، ۱۳۸۰: ۴).

فرهنگ عامه

نمودهای فرهنگ عامه که در آثار ادبی نهفته‌اند، میراثی ارزشمند است که ردپای آنها تا به امروز باقی است. زیرا: «از دید مردم‌شناسی جنبه‌های سنتی فرهنگ نه تنها میراث گذشته است، بلکه هر عنصر سنتی حامل یک ارزش و مبین داوری جامعه درباره چیزی است» (فاضلی، ۱۳۸۰: ۸۲). فرهنگ عامه موضوعات گسترده‌ای دارد اما پژوهشگران، از جمله سی. اس. برن، آن را در سه مقوله اصلی زیر بررسی می‌کند:

۱. باورها و عرف و عادات مربوط به زمین و آسمان، دنیای گیاهان و رویدادهای دنیای حیوانات، دنیای انسانی، اشیای مخلوق و مصنوع بشر، روح و نفس و دنیای دیگر، موجودات مافوق بشر، غیبگویی و معجزات و کرامات، سحر و ساحری، طب و طبابت.

۲. آداب و رسوم مربوط به نهادهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی، شعایر و مناسک زندگی انسان، مشاغل و پیشه‌ها، گاهشماری و تقویم و جشن‌ها، بازی‌ها و سرگرمی‌های اوقات فراغت.

۳. داستان‌ها و ترانه‌ها و ضرب‌المثل‌ها، داستان‌های سرگرم‌کننده، ترانه‌ها و تصنیف‌ها، مثل‌ها، متل‌ها و چیستان‌ها (ر.ک: بیهقی، ۱۳۶۵: ۲۱).

زبان عامیانه

زبان عامیانه، در کنار سه مقوله اصلی بالا باید از زبان عامیانه نیز یاد کرد که بخش مهمی از فرهنگ عامه را تشکیل می‌دهد. زبان عامیانه گونه‌ای از زبان است که زبان‌شناسان از سه گروه «زبان معیار»، «فوق معیار» و «زبان زیر معیار» آن را در دسته سومی زبان قرار داده‌اند (ر.ک: شهدادی، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۶). بر اساس این نظر «زبان فوق معیار یا فرامعیار» در بالای خط فرضی زبان معیار قرار می‌گیرد و در این زبان به جای کاربرد الفاظ زبان معیار بیشتر واژگان زبان کهن، ابداع و احیای واژگان، استعاره و مجازهای خاص شاعرانه مشاهده می‌شود (ر.ک: همان: ۷). در تعریف صاحب‌نظران «زبان زیر معیار» گونه‌ای دیگر از زبان است که در زیر خط فرضی زبان معیار قرار دارد. برخی این گونه زبانی را به «زبان عامیانه» منحصر کرده‌اند و آن را زبان گروه‌های پایین جامعه، حاشیه‌نشینان، بی‌سوادان و حتی گروه‌های ضد اجتماعی دانسته‌اند (ر.ک: صادقی، ۱۳۸۵: ۷). نجفی در فرهنگ عامیانه، زبان عامیانه را در کنار زبان محاوره در ذیل گروه زبان گفتار در زیر خط زبان معیار قرار می‌دهد (ر.ک: نجفی، ۱۳۷۸: شش).

حماسه‌های دینی

حماسه‌های دینی شاخه‌ای از منظومه‌های تاریخی به شمار می‌آیند که قهرمان آن شخصیت برجسته دینی است. چنانکه صفا در این باره بیان می‌کند: «ممکن است موضوع حماسه تاریخی زندگی یک یا چند تن از قهرمانان دینی باشد. من این‌گونه منظومه‌های حماسی را که اتفاقاً در زبان فارسی نمونه‌های بسیاری مانند خاوران‌نامه ابن‌حسام و حمله حیدری باذل و کتاب راجی و خداوندنامه صبا و اردیبهشت‌نامه سروش جز اینها دارد؛ منظومه‌های حماسی دینی می‌نامم» (صفا، ۱۳۶۹: ۴-۷). این آثار هرچند به تقلید از شاهنامه سروده شده‌اند اما تفاوت بسیاری با آنها دارند. به سبب شرایط سیاسی و اجتماعی عناصر عامیانه در لایه‌های درونی این منظومه‌ها نفوذ کرده و در واقع برخی از آنها را از جمله خاوران‌نامه به سبب این گستردگی می‌توان در ادبیات عامیانه به‌شمار آورد.

خاوران‌نامه

خاوران‌نامه، مثنوی حماسی دینی در بیست و دو هزار و پانصد بیت است که در آن جنگ‌های حضرت علی (ع) همراه با افسانه‌ها و داستان‌های خیالی از سفرها و جنگ‌ها و دلاوری‌های حضرت علی (ع) و یارانش مالک اشتر و ابوالمعجن در سرزمین خاوران و جنگ

با قباد پادشاه خاورزمین و امیران دیگری چون تهماسب‌شاه و جنگ با دیو و اژدها و موران و غیره در مکان‌های مشخص و بیشتر افسانه‌ای و خیالی سروده شده است. سراینده این اثر که خاورنامه نیز نام دارد، محمد فرزند حسام‌الدین حسن، معروف به ابن‌حسام، شاعر، عارف، فقیه و اندیشمند قرن هشتم و نهم هجری است. این منظومه، داستانی پهلوانی و دینی است و به سبب ماهیت ویژه خود اثر مهمی در محور انعکاس فرهنگ فولکوریک به شمار می‌آید. چنانچه گفته شده: «قصه‌های دینی در گونه‌های مختلف خود حماسی، پهلوانی، مذهبی و مانند آن وقتی به زبان عامیانه بیان شود از پرجاذبه‌ترین آثار فرهنگی است» (ناصر، ۱۳۷۸: ۶۲).

بحث

خاوران‌نامه پر از داستان‌هایی که گاه متوالی نیستند: در سیر این رویدادها با مجموعه‌ای از جلوه‌های فرهنگی عامه روبرو می‌شویم که بسیاری از آنها نمودار مفهومی خاص است که شاعر به گونه‌ی اسطوره‌ای و افسانه‌ای از باب فهم عوام بیان می‌کند (ر.ک: ناصر، ۱۳۷۸: ۱۴۱). رویدادهای موجود در خاوران‌نامه ابن‌حسام افسانه هستند و واقعیت تاریخی ندارد. ابن‌حسام به این مسئله آگاه بود که مردم بی‌سواد جامعه، تاریخ ساده را نمی‌پسندند و رویداد تاریخی، به خودی خود، هرچند مهم نیز باشد، در خاطره‌ی عامه نمی‌ماند؛ زیرا یادآوری آن نیز سبب پیدایش الهامات شاعرانه نمی‌شود، جز مواقعی که یک با نمونه‌های اساطیری کاملاً شباهت پیدا کند (ر.ک: ایلپاده، ۱۳۶۵: ۵۷).

روایت‌های خاوران‌نامه متناسب با سلیقه عوام، ویژگی‌هایی می‌یابد که از جنس خود مردم باشد نه آنچه تاریخ روایت می‌کند. به تحلیل ایلپاده؛ ذهنیت انسان باستان و در ادوار بعد خواست و پسند عامه مردم متمایل به حفظ روایات و نمونه‌های اساطیری بوده و در نتیجه شخصیت‌ها و رویدادهای تاریخی را پس از گذشت چند سده از زمان وقوع آن به تقلید از الگوهای اساطیری و نمونه‌های مثالی، از تاریخ به عرصه‌ی اسطوره، حماسه به افسانه کشانیده است (ر.ک: همان: ۴۴-۶۲). ماهیت نیمه تاریخی و افسانه‌ای خاوران‌نامه فضایی ویژه برای حضور گسترده عناصر عامیانه فراهم می‌سازد و مخاطب عام خواسته‌ها و سلیقه‌های خود را در آن جستجو می‌کند. برای شناخت ژرف نمودهای فرهنگ عامه موجود در این اثر به مهمترین ویژگی‌های آنها اشاره می‌شود.

باورهای عامیانه

باورهای توده مردم بخش بزرگی از عناصر عامیانه در خاوران‌نامه به شمار می‌روند. این اندیشه‌ها نزد عوام اهمیت دارد. چنانکه گفته‌اند؛ «بشر از همه چیز می‌تواند چشم ببوشد الا از خرافات و اعتقادات خویش» (راوندی، ۱۳۸۲: ۹/ ۴۵۶). و با آنکه غیر منطقی بودن ویژگی اساسی آنهاست، تاثیر غیرقابل انکاری بر رفتار انسان‌ها دارند. پیشرفت دانش بشر تاثیر مهمی بر محو باورها از صحنه زندگی دارند (ر.ک: صرفی، ۱۳۹۱: ۳۹۸). با این حال آثار بسیاری از آنها باقی مانده است.

باورهای پزشکی عامیانه

پزشکی عامیانه در گذشته باوری بود که مردم آن را به شکل علمی باور داشتند و آمیزه‌ای از خرافات و گاه نشانه‌هایی از طب سنتی است. در گذشته: «وجود بیماری‌های فراوان به دلیل نبود سواد و بهداشت و در دسترس نبودن پزشکان چیره‌دست، زمینه‌های رشد این باورها را بیشتر می‌کرد» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۳۸). با پیشرفت علم این اعتقادهای خرافی کمرنگ شده و گاه فراموش شده‌اند. ابن‌حسام در خاوران‌نامه به برخی از این دانش عامیانه و کاربرد آن اشاره کرده: مومیایی ماده سیاه و براقی که از بهترین داروی های طبیعی شمرده می‌شود و در باور مردم داروی شکستگی و استخوان‌درد است. ابن‌حسام با بینش پزشکی عامیانه از آن برای درمان شکستگی یاد کرده است.

شکست مرا مومیایی ز تست چراغ مرا مومیایی ز تست

(ابن‌حسام، بی تا: ۲۰، س ۱۸)

در باورهای عامیانه اگر گرفتن ماده‌ای چون کاهگل یا مهر نماز آغشته به گلاب در برابر بینی گرفته شود، شخص به هوش می‌آید (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۵۳). در خاوران‌نامه از چکانیدن «سیر و سرکه» در بینی شخص بی‌هوش برای رفع غش یاد شده است:

همان سیر و سرکه از آن اندکی چکانید در بینی هریکی

جو بیهوش رفته بهوش آمدند غلامان همه در خروش آمدند

(همان، ۱۲۳، س ۹)

در باور عام، خوردن «کشمش» برای آرامش و دفع صفرای خواب مفید است. در خاوران‌نامه از این ظرفیت عامیانه استفاده شده تا عمرامیه به وسیله خوراندن کشمش سپاهیان جمشید را در

خواب کند و شاه جمشید را در بند آورد:

هرآنکو بخوردی دو کشمش از آن
چو از شب یکی نیمه اندر گذشت
برفتی از او هوش و توش و توان
سرانرا همه سر پر از خواب گشت

(همان، ۱۵۱، س ۱)

قدما معتقد بودند که اگر کافور را بر روی زخم بزنند خوب می‌شود، به‌طوری ملک‌الشعرای بهار در شعر دماوند در هنری تحسین‌آمیز به جای برف از این باور عامیانه بهره برده است (ر.ک: بهار، ۱۳۸۷: ۳۸۷) و در خاوران‌نامه آمده:

چو خون از سر زخم کردند خشک
بیستند دستش بکافور مشک

(ابن‌حسام، بی تا: ۵۴، س ۳۱۶-۱۷)

نکته مهمی است که ابن‌حسام نیز همانند فردوسی از نام «نوشدارو» به‌طور کلی برای درمان دردها یاد می‌کند.

باورهای عامیانه مربوط به زنان و دختران

در اعتقاد عوام خلقت زن را از دنده چپ مرد و موجودی کج‌رو و شرور است. این باور ریشه‌ای کهن دارد. حتی در ادیان قدیم خلقت زن از دنده چپ آدم فرض شده است (ر.ک: زمردی، ۱۳۸۲: ۵۳۷). این باور همگام با تاریخ در ذهن مردم باقی مانده و هنوز بدخلقی و کج‌رفتاری را به تعبیر «از دنده چپ بلندشدن» بیان می‌کنند:

زنان چو ز پهلوی چپ خواستند
چو پهلوی چپ قلب و ناراستند

(ابن‌حسام، بی تا: ۸۴، س ۱۰)

همچنین در باور عوام فرزند دختر نمی‌تواند پشت پدر باشد و از به دنیا آمدن فرزند دختر خوشحال نمی‌شدند. ابن‌حسام از زبان مادر دل‌افروز می‌گوید:

خدایا بکس نام دختر مباد
و گر باشدش خود بداختر مباد

(همان، ۲۴، س ۹)

در بنیان اجتماعی مردم، مردانگی را به معنای شجاعت و صفات مثبت و زنان را مترادف با ترس و حقارت می‌دانند:

زن ار چند با زور و بازو بود
بمردان کجا هم‌ترازو بود

(همان، ۵۰، س ۱)

در شاهنامه که فضای اشرافی و آریستوکراتیک حاکمیت دارد؛ ارزش و اعتبار زن بیش از سطح یک جامعه عامیانه جریان دارد: «زنان به تبع مردان اعتباری دارند و برترین زنان مردانه‌ترین آنهاست» (ستاری، ۱۳۷۳: ۱۳). دیدگاه ابن‌حسام به زنان نسبی است اما بخش بزرگی از آن با فرهنگ عامیانه متناسب است.

باورهای مربوط به طلسم

طلسم و طلسم‌شکنی موضوع پررمز و رازی است که افراد بسیاری موارد و موانع زندگی‌شان را بر اساس آن تعریف می‌کردند (ر.ک: علی‌پور سعدانی و شیخ‌زاده، ۱۳۸۸: ۶۲). این اندیشه: «مظهر پیچیدگی و ابهام و سحرانگیزی جلوه حیات است که خود نمادی از معانی خاص می‌باشد و استعاره‌ای است که در لباس داستان مطرح می‌شود» (ناصح، ۱۳۷۸: ۱۳۹). این باور از نمودهای پرتکرار عامیانه خاوران‌نامه است که با ویژگی‌های متعدد سبب جذابیت روایت شده است. در باور مردم شکل عجیبی است که بر سر دقایق و خزاین تعبیه می‌کنند (ر.ک: معین، ۱۳۸۸: ۸۰۳) و در آن اسراری پوشیده است. برای نمونه:

چنین شکل و صورت کجا دید کس که دارد باسرار او دسترس

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۳۱۶، س ۱۷)

طلسم‌ها با حيله بسته شده‌اند و گاه با شکستن از بین نمی‌روند و دوباره ظاهر می‌شوند:

وزآنجا یکی پیشتر کرد رای بماند آن طلسم شکسته بجای

(همان، ۶۸، س ۱۳)

امروزه رایج است که طلسم‌شکستن را به افراد خبره، دعانویس و اگذار کنند. در خاوران‌نامه حضرت علی (ع) و یاران وی؛ طلسم‌ها را می‌شکنند:

بیینم طلسمات و تمثال او گشایم همه بند و اشکال او

(همان، ۳۲۱، س ۹)

پس از گشایش آن نوشته‌های مفید و سرنوشت‌ساز آشکار می‌شود:

چو حیدر بلوح اندرون بنگرید همه پورده راز او بر درید

(همان، ۳۱۶، س ۲۰-۲۱)

اعتقادات درباره خضر

خضر پیامبری است که در فرهنگ ایران ناجی گمراهان و بازدهنده زندگی می‌شناسند. پیامبران

در قصه‌ها در عالم واقع و یا در خواب به یاری قهرمان یا سپاه می‌آیند و گره از کار فروبسته آنان می‌گشاید (ر.ک: ذوالفقاری و باقری، ۱۳۹۲: ۸۱). خضر با ویژگی‌های عامیانه در خاوران‌نامه حضور پرتکرار دارد. در اندیشه‌های عامیانه با آب ارتباط دارد و اغلب زیارتگاه‌هایش در کنار دریاها و چشمه‌ها است. در باورهای مردم آبادان خضر نبی همیشه زنده است و در دریاها به سر می‌برد و ناجی غرق‌شدگان است (ر.ک: فلسفی‌میاب با همکاران، ۱۳۸۰: ۳۱-۳۲). مانند:

بدو گفت من خضر پیغمبرم که سرگشتگان را همه رهبرم
(ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۲۳، س ۱۶ و ۱۳)

خضر با بخشیدن نیروی خارق‌العاده به قهرمان آنها را از غرق‌شدن می‌رهاند:

علی دست خود را بدان پیر داد روان گشت بر روی دریا چو باد
(همان، ۱۹۳، س ۱۶)

در فرهنگ عامیانه وی پیر و نورانی و سبزپوش توصیف شده است:

یکی پیر نورانی سبزپوش بیامد گرفت آن سپرها بدوش
(همان، ۲۲۴، س ۱۴)

باور به ستاره‌بینی

قدما بر این باور بوده‌اند که هر شخص دارای یک ستاره است که در نیک و بد سرنوشت او تاثیر دارد و به هنگام مرگ او ستاره‌اش از آسمان پستی می‌گیرد و در آب می‌افتد. اصطلاحات بلندآختری نشانه خوشبختی و پست‌شدن ستاره نشانه ذلت یا مرگ است:

بدین دست بردار بپزدیم دست بلندآختری دشمنان گشت پست
(همان، ۲۷۷، س ۱۱)

ستاره‌بینی از دانش‌های عامیانه بود که: «از همین طریق پیشگویی می‌کردند، علم احکام نجوم شاخه‌ای از غیب‌گویی است» (دماوندی، ۱۳۸۴: ۸۶). امروزه ردپای این تفکر در خاوران‌نامه نیز مشاهده می‌شود.:

فرستاد ره مرد را شهریار بدان تا بیامد ستاره شمار
بدو گفت جمشید کای نامجوی سخن هرچه داری سراسر بگوی
(همان، ۹۴، س ۱۱)

باورهای عامیانه مربوط به تقدیر

برجسته‌ترین باور در خاوران‌نامه عنصر تقدیر است که نسبتاً در همه حوادث تکرار شده است. براساس این باور دست نامرئی سرنوشت، آدمی و زندگی او را به هر جهتی که می‌خواهد هدایت می‌کند. «سپهر»، «بخت»، «بودنی» از مظاهر اعتقاد عوام به تقدیر است که در خاوران‌نامه پایان تلخ و شیرین حوادث با آن توجیه می‌شود:

تو دانی که از بودنی چاره نیست خرد را در این جای بی‌غاره نیست

(همان، ۱۷۴، س ۹)

این باور از پدیده‌های دیرینه اجتماعی است و ریشه در آیین کهن ایران دارد. در فرهنگ کهن ایران آسمان نام فرشته‌تدبیر امور و مصالح «آسمان‌روز» بوده است (ر.ک: دهخدا: ذیل آسمان). به‌همین دلیل ابن‌حسام بارها از آسمان به جای تقدیر یاد کرده است:

مگر بخت فرخنده وارونه گشت سپهر از بر ما دگرگونه گشت

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۱۴۷، س ۳)

باورهای عامیانه درباره موجودات خیالی

موجودهای خیالی در ادبیات عامه از جمله خاوران‌نامه نقش برجسته‌ای دارند. مردم وجود این موجودات را در داستان‌ها به سبب اینکه از قدرت فراطبیعی برخوردارند و ویژگی‌هایی آمیخته با افسانه دارند، بیشتر می‌پسندند.

از این موجودات پری است که مهمترین ویژگی که از آن در ادبیات عامیانه وارد شده زیبایی است که در نام‌هایی چون پریچهر، پریزاد تبلور یافته است. در باور عام گاه از هر عیب بری و گاه با جن یکسان است (ر.ک: افشاری، ۱۳۸۷: ۴۷). ابن‌حسام بارها در استنادهای مجازی به ویژگی دوگانگی آن، زیبایی و افسونگری اشاره کرده است. اما وجود حقیقی پری با ویژگی‌های عامیانه در داستان زمانی است که در کوه بلا در مسیر عبور حضرت علی (ع) به شکل زنی زیباروی ظاهر می‌شود:

بدان چشمه اندر یکی ماهروی نشسته برهنه همی شست موی

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۲۰، س ۱۷)

دوگانگی شخصیت پری، بازمانده باور به ایزدبانوانی بوده که پیش از زردشت، ستایش می‌شده‌اند؛ اما بعدها چهره آن با خوی اهریمنی پیوند یافته است (ر.ک: ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۳۱۹).

مکان زندگی پری متناسب با نظر عوام، در چشمه‌ها و رودخانه‌هاست و آدمی هنگام گذر در این مکان‌ها برای اغوا نشدن باید ذکر بخواند:

پری بر سر چشمه‌ساران بود
چمن منزل گل‌عذاران بود
ترا چون رسد بر سر چشمه پای
نگهدار خود را بنام خدای

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۲۰، س ۲۱)

خاصیت ناپدیدشدن و ظاهرشدن در جای دیگر از ویژگی‌های عامیانه دیگر پری است:

شده دختر از چشم او ناپدید
یکی دور از آن کوه سر برکشید

(همان، ۲۲۱، س ۳)

دیو نیز از موجودات افسانه‌ای است که حضور گسترده‌ای در داستان‌های عامیانه دارد. در این اثر مطابق باور عامیانه موجودی مهیب و دارای چنگالی غیرطبیعی و نفسی آتش‌انگیز است:

گرفته دیوان بگرد اندرش
گرفتند چنگال بر پیکرش

(همان، ۶۹، س ۲۴)

آنها نیروی پیکرگردانی دارند و در هر لحظه می‌توانند از قالبی به قالب دیگر درآیند (ر.ک: طرسوسی، ۱۳۵۶: ۱۸۸/۱). در بندگاه سلیمان مالک دیوی را می‌بیند که به شکل جانورهای مهیب گوناگون ظاهر می‌شود.

وزان جانورهای هر گونه‌گون
همی آمد از روی دریا برون

(همان، ۶۹، س ۲۰)

ابن‌حسام شخصیت‌های دیوسیرت را به شیوه خاصی که برای مخاطب عام قابل فهم باشد، توصیف می‌کند. چنانکه شهپال جادو دیوی است که قدرت ناپدیدشدن، پراکندن تاریکی و پیکرگردانی را داراست (ابن‌حسام، بی‌تا: ۱۷۱ س ۱۱-۱۲).

چنانکه اسطوره و آیین با هم رشد می‌کنند (ر.ک: بهار ۱۳۷۶: ۲۶۹)، ازدها موجود افسانه‌ای و زائیده اسطوره است که تبدیل به باور عمومی شده است. امروزه آن را با آتش (ر.ک: وارنر، ۱۳۸۶: ۵۱۳) و با کوه آتفشان مربوط می‌دانند (ر.ک: جنیدی، ۱۳۵۸: ۱۰۱-۱۰۳) و در خاوران‌نامه دارای پیکری مهیب با هفت‌سر است که از آن آتش می‌جهد.

بهر سر در آن ازدهای دمان
دهان پر ز آتش کشیده چنان

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۷۰، س ۱۸-۱۹)

همچنین در نظر عامه مردم این موجود شگفت شیفته جواهر و از گنجینه‌های طلا نگهبانی می‌کند:

چو مالک روان شد بنزدیک مار دری دیگر از دور دید استوار
بر او بر یکی پیل آشفته دید بگردن برش گوهری سفته دید

(همان، ۲۹۳، س ۴)

باور به این موجودات، اساس آیین و فرهنگ ایرانی است. رویارویی پهلوان با آنها در خاوران‌نامه می‌تواند تعبیری از تقابل پهلوان با حقیقت متضاد و دوگانه زندگی بشر در ذهن آدمی باشد که به صورت نمادین آمده‌اند.

جایگاه ریش در فرهنگ مردم

قبل از صفویان حرمت ریش برای مردان اعتقادی فراگیر بود. به باور مردم آن زمان ریش هویت و ارزش اجتماعی فرد را فراهم می‌کرد. در دوره صفوی این فرهنگ تغییر می‌کند. فرمان تراشیدن ریش در دوره چندین تن از شاهان صفوی صادر شد (رک: شاردن، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۰۵). اعتبار آن برای مردم چنان بود که به اندازه ضامن معتبر می‌دانستند. هم‌اکنون نیز نشانه‌هایی از این باور در توده‌های مردم باقی مانده و بازتاب آن خاوران‌نامه دیده می‌شود.

حرمت ریش:

ز گفـتار دارا بخندید شاه که چون ریش خود را نداری نگاه
(ابن‌حسام، بی‌تا: ۱۳۹، س ۲۲)

هنگام خشم و شکست از ریش می‌کنند: *انسانی و مطالعات فرهنگی*
دل شاه شد زین سخن دردمند ببرد از ریش مثنی بکند
(همان، ۶۳، س ۲۰)

این باور سبب به وجود آمدن ضرب‌المثل‌هایی چون «ریشخند و به‌ریش‌خندیدن» به هنگام تمسخر شده است:

بدل گفـت من با تو کاری کنم که ریش تو را خنده‌زاری کنم
(همان، ۲۷۴، س ۲۰)

افسانه‌ها و رخداد‌های شگفت‌انگیز

از مولفه‌های عامیانه در خاوران‌نامه افسانه‌ها و حوادث غیرواقعی است. همین ویژگی این اثر

را در ردیف داستان‌های عوام‌پسند قرار می‌دهد؛ به طوری که صفا آن را با چنین شاخصه‌ای معرفی کرده: «برخی دیگر از داستان‌ها افسانه محض است که اندک اندک میان ملت ایران و بر اثر اخلاص شدید این قوم نسبت به حضرت علی (ع) و در آمدن او در صف پهلوانان ملی به وجود آمد. مانند داستان پهلوانی‌های وی در سرزمین خاور که در خاوران‌نامه می‌بینیم» (صفا، ۱۳۶۳: ۳۷۳).

ابن‌حسام حضرت علی (ع) و یارانش را در صف کارزار با موجودات شگفت و حوادث باورنکردنی مواجه می‌کند که همواره پیروز هستند. بنابراین این حوادث عواطف مردم را به همراه دارد. داستان‌سرا ناگذیر است؛ برای حس اعجاب خواننده و شنونده داستان خویش بر حوادث رنگی از افسانه بزند و یک کلاغ را چل کلاغ کند و حادثه را به صورتی عرضه دارد که اگر در عالم واقعیت نتواند؛ مورد اجرا قرار گیرد، دست کم در عالم خیال بتواند تحسن شنونده را برانگیزد (محبوب، ۱۳۷۸: ۹۵۵). اساس رویدادهای خاوران‌نامه افسانه‌ها و عجایبی است که واقعیت ندارند.

برخی از این موارد چون: پیلگوشان که حضرت علی (ع) و سپاهش مغلوبشان می‌کنند (ابن-حسام، بی تا: ۸۵، س ۵ به بعد). آدم‌خواری که مالک به آنها پناه می‌برد (همان، ۲۱۴ س ۱۹ به بعد). ازدها و لشکر دیوان بر سر کوه بلور و حضرت علی (ع) آنها را شکست می‌دهد. (همان، ۲۲۴، س ۲۲ به بعد) مورچگان شاخدار که به اندازه یک سگ بودند (همان، ۱۰۲، س ۱۲). همچنین کوه بلور از عجایبی است که تنها حضرت علی (ع) بعد از رستم به آن راه یافته و چهره خود را در آن می‌بیند (همان، ۲۱۹، س ۲۴). نبرد حضرت علی (ع) با دیوی که حضرت سلیمان او را دربند کرده است و بر حصن آهن‌ریای فرمانروایی می‌کند و ایمان آوردن دیو (همان، ۱۹۳، س ۱۲ به بعد). در آمدن حضرت علی (ع) در چاه پر از ماری که به محض دیدن آن حضرت، چاه را خالی کردند (همان، ۴۱۸، س ۲۲-۲۳)؛ از شگفتی‌های این اثر است که بخش گسترده‌ای از این منظومه را در برگرفته به طوری که در هزار و دویست و پنجاه بیت، شانزده رخداد عجیب مواجه می‌شویم که با احتساب حجم روایت داستان بسیار چشم‌گیر است. این رویدادها در ذهن خواننده منظومه دینی طبیعی بروز می‌نماید و از آن به عنوان معجزه یاد می‌کند، خواننده با خواندن آن در مرز میان واقعیت و خیال قرار می‌گیرد و نمی‌تواند تشخیص دهد که آیا آنچه می‌خواند واقعیت دارد یا ندارد. گاه آن را با علل منطقی تبیین می‌کند و گاه

پدیده فراطبیعی و عجیب را به همان صورت می‌پذیرد (ر.ک: حری، ۱۳۹۳: ۲۱). کرامات از رویدادهایی است که مردم عام اشتیاق زیادی به شنیدن آن از زبان مناقب‌خوانان داشتند. نمونه‌هایی مانند: طی‌الارض کردن پیامبر به هنگامی که در مسجد نگران رزم حضرت علی (ع) بود، حجاب از زمین برداشته می‌شود و میدان نبرد در دشت خاور را از مسجد مکه مشاهده می‌کند (همان، ۱۳۴: ۱۳ به بعد)، شفایافتن مالک با خواب‌دیدن پیامبر (همان: ۷۸، ص ۶-۷). اشتیاق شیعیان به شنیدن رویدادهای شگفت کرامات در شعر مانند جنگ با موجودات افسانه‌ای و طی‌الارض کردن، شفا دادن بیمار و غیره سبب شد تا گونه‌ای که اصطلاحاً «ولایت‌نامه» خوانده شده؛ جایگاهی نزد مردم عامه شیعی پیدا کند (ر.ک: بیگدلی و دیگران، ۱۳۹۸: ۲۲). در واقع محققان از گونه‌ای ادبی عامیانه به نام ولایت‌نامه نام برده‌اند که قهرمانی‌ها و کرامت‌های حضرت علی (ع) را آمیخته با افسانه‌ها و سخنان غیرواقعی بیان می‌کند (ر.ک: افشاری، ۱۳۸۹: ۲۷).

حرکات و رفتارهای عامیانه

ابن‌حسام در لابلای فضا و عبارت‌هایی که روح فخیم حماسی دارد؛ با در نظر داشتن فضای اندیشه مخاطبان، حرکات ساده و رفتارهای بی‌ریای مردم را به نمایش می‌گذارد. حرکاتی که در رفتارهای رسمی دیده نمی‌شود. در نمونه‌های زیر خشونت‌ها، خوارداشت‌ها و حتی بازی‌ها در قالب رفتارهایی مشخص و عامیانه بروز می‌کند. مانند:

زخم‌زدن بر سر به وسیله کفش:

یکی نوک موزه بزد بر سرش بغلطید سربیط کام از برش

(ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۳۸، ص ۲۴)

کوبیدن با چوب برای ابراز خشونت:

بزد بر سرش زنگی تندخو یکی چوب زد سخت بر پای

(همان، ۱۳۰، ص ۲۱)

مواردی از حرکات عامیانه در این منظومه مانند: کشیدن ریش به هنگام خشم (۱۴۹، ص ۷)، تابیدن گوش برای تنبیه (۸۶، ص ۲۴)، معلق‌زدن به هنگام بازی و هنر (۱۲۹، ص ۸)، با کاسه بر سر کسی کوبیدن (۴۶، ص ۱۸)، جفته‌زدن: (۱۲۹، ص ۱۲) فراوان هستند.

مصادقات‌های دیگر رفتارهای عامیانه در این اثر که زمینه عوام‌پسندانه داستان را غنی می‌کند،

مربوط به عیاری است. در خاوران‌نامه عیاران و کارهای حیرت‌انگیز آنان برای تفریح خاطر و ایجاد تنوع داستان است. این گروه پدیده مردمی است و رفتارهایی مناسب پسند مردم به‌ویژه آنان که خود را به رسمیت نمی‌شناخته‌اند انجام می‌دادند (ر.ک: گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۰۶). توده مردم از جمله محرومان، یتیمان و بیوه‌زنان و کسانی که مبارزه با ظلم ستایش می‌کنند؛ رفتار آنان را افتخار خود می‌دانستند (ر.ک: محجوب، ۱۳۷۸: ۹۵۸) و داستان‌های آنان را با جذبہ دنبال می‌کردند.

از صحنه‌های عیاری استفاده از حيله جهت انجام کاری بزرگ است از جمله؛ حضرت علی (ع) در جستجوی غلام و یاران خویش پوشیده وارد حصار سفیان می‌شود: (ابن‌حسام، بی‌تا: ۳۶، س ۲۳) و ابوالمعجن با زیرکی و پنهان‌کاری وارد دربار نوادر شاه و پرده‌گاه زنان می‌شود و شاه را می‌کشد: (همان، ۲۲، س ۱۴) عمرامیه قهرمانی است که بارها به کارهای عیاری از جمله باهوشی، پنهان‌کاری و حيله‌گری او پرداخته شده است. این شخص با زیرکی به‌عنوان رقاصه وارد بزم شاه می‌شود و با رقصیدن شگفت و نزدیک‌شدن به شاه تاج او را می‌رباید: (همان، ۲۴۲، س ۱۶ و ۲۵).

از دیگر صحنه‌های عیاری استفاده از داروی بیهوشی که به‌تکرار یاد شده. از جمله گلچهره که به ملک داروی بیهوشی می‌دهد و او را اسیر می‌کند: (همان، ۸۴، س ۶) عمرامیه به پاسبانان شاه خاور داروی بیهوشی می‌دهد و ریش و سر آنها را می‌تراشد. سپس نبردی راه می‌اندازد (همان، ۱۲۱، س ۸-۹).

دیگر روش‌های عیاری صحبت‌کردن به زبانی نامفهوم است. عمرامیه بارها برای دستیابی به هدف، ببه هندی نامفهوم سخن گفته است: (همان، ۱۲۰، س ۱۴ و ۱۹) و برای کشتن شداد نیز این روش را بکار گرفته: (همان، ۱۲۹، س ۲۲).

این رفتارها را که ریشه در نوع زندگی، میزان فرهیختگی جامعه دارد، می‌توان در شمار کنش‌های عامیانه محسوب کرد. اگرچه نوع دیگری از کنش‌های عامیانه رفتارهایی مانند نذری‌دادن هستند که ریشه در تفکر، فرهنگ و آیین مردم دارد و آنقدر تکرار شده که تبدیل به رسم شده‌اند (ر.ک: شریلو و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۰).

زبان عامیانه

عنصر دیگر که سبک عامیانه خاوران‌نامه را غنا بخشیده زبان مردم توده است و شاعر آن را در کنار بهره‌گیری از زبان و ادب کهن بکار برده است. زبان عامیانه دارای مفهومی اجتماعی- فرهنگی است (نجفی، ۱۳۷۸: هفت) در عین سادگی پویا و کارآمد و سرشار از الفاظ، اصطلاحات، مثل‌ها، عبارات، کنایات، تکیه‌کلام‌ها و تحکم‌ها و تعریض‌هایی برگرفته از متن زندگی جمعی در برآوردن نیازها است (ر.ک: میری، ۱۳۸۰: ۶۰).

در سبک تیموری؛ عناصر زبان عامیانه چون ارسال‌المثل، عبارات، واژگان و حتی تلفظ عامیانه مشاهده می‌شود. ابن‌حسام در این عصر شاعر قدرتمندی است که زبان حماسی را که نوع ادبی کهن است با زبان عامیانه درآمیخته که در قالب واژگان و اصطلاحات، فعل‌ها و صورخیال چون تشبیه، اغراق، کنایه و ضرب‌المثل در بیانی پیراسته دیده می‌شود. این عناصر گنجینه شایانی است از آنچه مردم عامه می‌اندیشند و به زبان می‌آورند.

واژگان بومی

این گروه سازنده زبان عامیانه هستند. که در خاوران‌نامه به شکل‌های گوناگون تلفظ گفتاری، ترکیب، صفت و لوازم و ابزارهای منزل وجود دارد. کاربرد زبان با تلفظ گفتاری از محورهای گرایش به زبان عامیانه است. این واژگان با فرآیندهای واجی حذف، ابدال، ادغام و غیره شکلی متفاوت با زبان نوشتاری پیدا می‌کنند (ر.ک: افراشی، ۱۳۸۸: ۵۳-۶۱). در خاوران‌نامه نیز واژگان تحت تاثیر زبان عامیانه قرار گرفته و واج در آنها حذف یا ابدال شده است. نمونه آن:

ز اسب اندر افتید سرنگون / شکسته سر و یال و برز و سرون
(ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۴۵، س ۲۰)
ابوالمعجن گرد بر می‌منه / که شیر از نهی‌بش گرفتی پنه
(همان، ۳۶۵، س ۲۴)

واژگان دیگری از جمله چارم (همان، ۱۰۲، س ۲۴)، چند زار (همان، ۴۲، س ۱۱)، سراپاش (همان، ۱۷۸، س ۲۰) تلفظ عامیانه دارند که به نبعیت از قانون کم‌کوشی واج در آنها حذف رخ داده است (ر.ک: باقری، ۱۳۸۹: ۲۱).

ترکیب‌ها با واژه‌های معنی‌دار و بی‌معنی، واژگان و اصطلاحاتی کاربردی در زبان عامیانه می‌سازد. ابن‌حسام با بهره‌گیری از ترکیبات عامیانه‌ای چون «سرتا دم» به معنی از بالا تا پایین و «مردک» دایره‌واژگان خود را گسترش می‌دهد.

در آغوش بگرفت حیدر سرش بخارید سرتا بدم پیکرش

(همان، ۲۱۴، س ۱۶)

زمین پیش خسرو ببوسید و گفت کزین مردک اینها نباشد شگفت

(همان، ۲۴۷، س ۲۳)

صفت عامیانه از دیگر عناصری است که گاه به صورت مرکب و ساده در روایت آمده تا عاطفه شعر خود را بهتر به مخاطب عام برساند. مانند نمونه زیر:

مرا نام گلباد گردان کش است بمرگ برادر دلم ناخوش است

(همان، ۱۵۲، س ۱۷)

صفت‌های دیگری چون روزبرگشته (همان، ۱۸۳، س ۱۶)، سیه‌رو (همان، ۱۸۳، س ۱۷)، خنده‌دار (همان، ۱۶۸، س ۷) در گفتار روزانه مردم عادی به‌کار می‌رود. **ابزارها و لوازم منزل** بخشی از واژگان عامیانه را تشکیل می‌دهند که نماینگر شیوه زندگی و فرهنگ بومی مردم است:

طشت و طشت‌دار که برای شستشوی دست در هنگام صرف غذا ضروری بود؛ به همین دلیل منصبی به‌نام طشت‌داری در روزگار مردم آن زمان وجود داشت (همان، ۲۷۷، س ۶)، استفاده از کاسه‌های چینی لاجوردی که مرسوم بود (تارونیه، ۱۳۸۳: ۳۰۸) و در خاوران‌نامه به‌کار رفته (ابن‌حسام، بی‌تا: ۲۸۵، س ۲۴ و ۲۵) طاس، ظرفی برای نگهداری غذا و لبنیات (همان، ۳۱۶، س ۱۶)، فرش‌های پلنگی که از پوست پلنگ درست می‌شود (همان، ۱۶، س ۲۴)، آسیاسنگ برای آرد کردن گندم استفاده می‌شد (همان، ۱۰۵، س ۴)، طبره که به جای کیف کاربرد داشت (همان، ۱۲۱، س ۷) نمونه‌هایی از این موارد هستند.

انعکاس زبان عامیانه در مهمترین رکن جمله یعنی فعل پررنگ‌تر از سایر عناصر زبانی است و به‌شکل‌های گوناگون در خاوران‌نامه مشاهده می‌شود. این عنصر کشش و انعطافی در زبان ایجاد می‌کند که توفیق شاعر را در صمیمیت با خواننده عام دوچندان می‌کند. مانند فعل «فاش کردن» که در زبان گفتاری مردم کاربرد دارد:

بفرمود تا قبر نامور به شهر اندرون فاش کرد آن خبر
(همان، ۲۰۴، س ۱۵)
موارد دیگری چون؛ ریشخندکردن (همان، ۱۶۸، س ۷)، دست‌وپا زدن (همان، ۲۳۱، س ۸)،
پیشکی دادن (همان، ۳۰۵، س ۴)، فارغ‌شدن (همان، ۱۱۷، س ۱)، جگرخون کردن (همان، ۱۶۶،
س ۱) از همین دسته هستند.

ترکیب‌های فعلی مانند: سر و کار با چیزی افتادن (همان، ۱۲۲، س ۸)، از سرگذشتن (همان،
۱۸۹، س ۲)، کاری بر سر آمدن (همان، ۲۱۸، س ۴)، کار را بر کسی دراز کردن (همان، ۲۲۱،
س ۱۳) بافت زبان را به سمت عامیانه نزدیک کرده است. به سبب همین ویژگی در مصراع دوم
بیت زیر حضور زبان ادبی احساس نمی‌شود.

برآویز و بنمای فر و هنر که من در نیارم بدین تو سر
(همان، ۲۶۶، س ۱۲)

حتی فعل‌های عامیانه‌ای وجود دارد که معنای مجازی دارند و تاثیر عمیق‌تر و عاطفی زبان
توده بر سطح زبانی ابن‌حسام را نشان می‌دهد. به عنوان نمونه فعل «سیر شدن» در بیت زیر:
چنین گفت کان نامبردار شیر ز تخت کیانی مرا کرد سیر

(همان، ۲۶۶، س ۱۸)
فعل‌های کباب‌شدن (همان، ۷۱، س ۱۲)، جوشیدن (همان، ۲۹، س ۱۳)، دست‌شستن (همان،
۲۲۹، س ۱۵) نیز از همین نوع هستند.

عناصر ادبی

در بیان ابن‌حسام عناصر ادبی نیز متأثر از زبان عامیانه است. وی گاه برای نفوذ بیشتر شعر
خود در دل مخاطب عام، اصطلاحات رایج در بین مردم را برای نشان‌دادن تصاویر هنری بکار
برده است. برای نمونه تشبیه‌های عامیانه که مناسب نوع ادبی حماسی نیستند و از زبان مردم
کوچه و بازار گرفته شده است:

سرش همچو دیگی پراز جوش ز اسب اندرافتاد و بیهوش شد
(همان، ۱۲۹، س ۱۸)

تشبیه‌های فراوانی همچون تشبیه گردیدن پهلووان به سنگ آسیا (همان، ۱۲۹، خ ۱۷)، سپاه
به مور و ملخ (همان، ۱۷۰، س ۸)، آسمان به دودگیر (همان، ۱۷۰، س ۱۲)، طپیدن دل مانند

کبوتر (همان، ۷۹، س ۱۸) موارد دیگری هستند که جوهره آن را سلیقه و عواطف عامه مردم عادی تشکیل می‌دهد.

اغراق‌های زبان حماسه باید متناسب با نوع خود فخیم باشند. در این منظومه گاه این ویژگی را از دست می‌دهد. ابن‌حسام تلاش می‌کند با زبانی اعجاب مخاطب عام را برانگیزد که از خود مخاطب برگزیده است. مانند:

ز بس کشته اکنده بر کوه شیخ نه بد بر زمین جای پای ملخ

(همان، ۸۶، س ۱۰)

ز بس نیزه و تیغ تیر و سپر نبند در میان سوزنی را گذر

(همان، ۱۲۴، س ۲۵)

از مولفه‌های دیگر مهم زبان عامیانه کنایه است که حضور چشمگیری در خاوران‌نامه دارد. ابن‌حسام از این عنصر که بیشترین تاثیر در نشان‌دادن جلوه‌های مختلف زندگی توده دارد، بهره گرفته تا برای مخاطبان عام خود جذابیت ایجاد کند و در این شیوه توفیق خوبی یافته است. کنایه‌های فعلی ابن‌حسام از نظر تعدد، نمایاندن مظاهر مختلف زندگی مردم و همچنین شیوه بیان و بکارگیری در نقاط مناسب داستان در سبک عامیانه خاوران‌نامه عاملی تعیین‌کننده است. کنایه‌های عامیانه در خاوران‌نامه اغلب کنایه‌های فعلی هستند که نه تنها از زبان ساده و روزمره مردم گرفته شده؛ بلکه نمایانگر سلیقه و فرهنگ زندگی عامیانه است. مانند:

نمیترسی از زور و بازوی من که سنگ افکنی در ترازوی من

(همان، ۶۳، س ۵)

موارد فراوان دیگری مانند: سنگ در ترازو افکندن (همان، ۶۳، س ۵)، گلیم سیاه (همان، ۱۹۱، س ۲۵) تیشه بر پای خود زدن (همان، ۲۹۳، س ۱۱)، در دست‌وپا افتادن (همان، ۲۰۴، س ۱۳)، پنجه کاری را نداشتن (همان، ۳۳۸، س ۲۱)، دست در زیر سنگ آوردن (همان، ۵۷، س ۹) که گاه برگرفته از مشاغل مختلف جامعه هستند، مواردی برای تحقیق در فرهنگ عامیانه به‌شمار می‌روند.

عنصر ادبی دیگری که شاعر از زبان عامیانه بهره گرفته تمثیل است؛ مثل‌ها نمایانگر تجربه‌های اخلاقی و الگوی رفتاری قوم ایرانی و واکنش‌های عادی و طبیعی عامه در مقابل رویدادها و معرف احوال واقعی روحی و فکری آنان است (ر.ک: زرین کوب، ۱۳۶۸: ۷۳۷-)

۷۳۸). برخی از تمثیل‌های ابن‌حسام تجربه شخصی شاعر است و برخی از آنها رایج عصر است:

بی‌فکند سی مرد آزاده را نگیرد کسی شیر سرداده را
(ابن‌حسام، بی‌تا: ۴۶، س ۱۴)

ولی هر کسی مرد این بیشه نیست هر روبهی شیر این بیشه نیست
(همان، ۳۶۱، س ۱۹)

مورد دیگر برخی از تکرارهایی که در زبان مردم متداول است زیرا مردم عادت دارند در زبان غیر ادبی و گفتاری خودشان برای نشان‌دادن تاکید اسم یا غلظت صفتی، آن را تکرار کنند:

اگر پنجه پهلوان بددلیست بیاندیش کاین کار کار علیست
(همان، ۳۲۱، س ۱۲)

بزخمی بدو نیمه کردش کنون از آن دامن کوه شد خون خون
(همان، ۳۱۴، س ۵)

دشنام و جفاگویی

موضوع دیگری که در حوزه زبان عامیانه خاوران‌نامه وارد می‌شود؛ دشنام است که بیشتر در بین توده‌های نافرهیخته رواج دارد و ریشه در جامعه عصر شاعر دارد. دشنام فقط از زبان شخصیت‌های عادی و سطح فرودین داستان گفته می‌شود و حضرت علی (ع) هیچ‌گاه دشنام نمی‌گوید.

بگفت این و دشنام‌دادن گرفت بزبان را بزشتی گشادن گرفت
(همان، ۳۰۷، س ۴)

بریدی سر و سینه ذوالحمار بریدی همی سنگ را چون خیار
(همان، ۳۹۴، س ۶)

نتیجه‌گیری

بررسی حاضر نشان می‌دهد که خاوران‌نامه با رویکردی عامیانه سروده شده و ابن‌حسام که خود با توده مردم ارتباط مستقیم داشته مبنای حقیقی خاوران‌نامه را با هدف محکم‌تر کردن اعتقاد شیعی عامه مردم بر حسب سلیقه نقالان و قصه‌خوانان بنا نهاده است. از برجسته‌ترین نمودهای فرهنگ عامه، تجلی اندیشه‌ها و باورهای عامیانه است که از لابه‌لای ابیات درباره

مسائل پیرامون زندگی اجتماعی و نیازهای مردم به‌دست می‌آید. مردم آن زمان به اندازه اعتقاد مذهبی باور داشتند و بدان پایبند بودند. همچنان بسیاری از این باورها در روایات مردم و اجتماع رواج دارند و هنوز پویایی خود را از دست نداده‌اند.

افزون بر این ابن‌حسام از افسانه‌ها و رویدادهای شگفت‌انگیز برای افزون‌تر کردن زمینه عوام‌پسندانه داستان بهره برده است که همچنان در بین مردم بازگو می‌شوند. روایت‌های این منظومه مشحون از حرکات و کردارهای عامیانه و متناسب با جامعه نافرین‌کننده است. کارهای حیرت‌انگیز عیاران، مصداق دیگری از رفتارهای عامیانه را بازتاب می‌کند که شنیدن آنها برای مخاطب عام به‌ویژه طبقه فرودست در جامعه آن زمان بسیار جذاب بود. در زبان خاوران‌نامه نیز گاه به‌ویژه در سطح واژگان و عناصر ادبی همچون تشبیه، کنایه از بطن جامعه برخاسته و ضرب‌المثل‌ها در گفتگوهای مردم عادی رایج است. زبان عامیانه در عنصر فعل و کنایه‌های فعلی پررنگ‌تر است. البته می‌توان گفت که انعکاس زبان عامیانه نسبت به دیگر عناصر در خاوران‌نامه به سبب پایبندی به سنت‌های زبان نوع ادب حماسی کمتر مشهود است. اما به‌طور کلی این منظومه بر اساس سلیقه و برداشت‌های توده‌های غیررسمی و عامیانه سروده شده است و مناسبت زیادی با ادب عامه دارد.

منابع

کتاب‌ها

ابن‌حسام (بی‌تا) *خاوران‌نامه*، محاربات حضرت علی (ع) مشهور به *جنگ‌نامه*، نسخه خطی محفوظ در کتابخانه ملی به شماره ۲۳۷۲۱.

افراشی، آزیتا (۱۳۸۸) *ساخت زبان فارسی*، تهران: سمت.

افشاری، مهران (۱۳۸۷) *تازه به تازه نوبه نو*، چاپ دوم تهران: چشمه.

ایلپاده میرچا (۱۳۶۵) *اسطوره بازگشت جاودانه*، ترجمه بهمن سرکاراتی، تبریز: نیما.

باقری، مهری (۱۳۸۹) *مقدمات زبان‌شناسی*، تهران: پیام نور.

بهار، محمدتقی (۱۳۸۷) *دیوان ملک‌الشعرای بهار*، تهران: نگاه.

بیهقی، حسینعلی (۱۳۶۵) *پژوهش و بررسی فرهنگ عامه مردم ایران*، مشهد: انتشارات آستان قدس.

تارونیه، ژان بانیس (۱۳۸۹) *سفرنامه تارونیه*، ترجمه حمید اربابی شیرانی، تهران: نیلوفر.

جنیدی، فریدون (۱۳۵۸) *زندگی و مهاجرت آریایی*، تهران: بلخ.
حری، ابوالفضل (۱۳۹۳) *کلک خیال‌انگیز*، تهران: نی.
دماوندی، مجتبی (۱۳۸۴) *جادو در اقوام، ادیان و بازتاب آن در ادب فارسی*، سمنان: آبرخ.
دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵) *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران.
ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴) *باورهای عامیانه مردم ایران*، تهران: چشمه.
راوندی، مرتضی (۱۳۸۲) *تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: روزبهان.
زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۶۸) *نقش بر آب*، تهران: معین.
زمردی، حمیرا (۱۳۸۲) *نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی و..*، تهران: زوار.
ستاری، جلال (۱۳۷۳) *سیمای زن در آینه شعر فارسی در فرهنگ ایران*، تهران: مرکز.
سیپک، ییری (۱۳۸۸) *ادبیات فولکور ایران*، ترجمه محمد اخگری، تهران: سروش و مرکز مطالعات.

شاردن، ژان (۱۳۷۲) *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران: توس.
صرفی، محمدرضا (۱۳۹۱) *باورهای عامیانه کرمان*، کرمان: باهنر.
صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۳) *حماسه‌سرایی در ایران*، تهران: امیرکبیر.
طرسوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۵۶) *داراب‌نامه*، به کوشش ذبیح‌الله صفا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

فلسفی‌میاب، علی و الینا رضایی و شیما رشنودی (۱۳۸۰) *مردم‌نگاری شهر آبادان*، سازمان میراث فرهنگی استان خوزستان، نگهداری در آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی، سازمان صنایع دستی و گردشگری تهران.

گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن‌ضحاک بن‌محمود (۱۳۶۳) *زین‌الانخبار*، به تحقیق عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب.

محبوب، محمدجعفر (۱۳۸۷) *ادبیات عامیانه ایران*، تهران: چشمه.
معین، محمد (۱۳۶۴) *فرهنگ فارسی*، جلد ۶، تهران: امیرکبیر.
نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸) *فرهنگ فارسی عامیانه*، تهران: نیلوفر.
وازنر، رکس (۱۳۸۶) *دانشنامه اساطیر*، ترجمه ابوالقاسم اسماعیل‌پور، تهران: اسطوره.

- افشاری، مهران. (۱۳۸۹). جستجویی در تاریخ مناقب خوانی و ... آیینۀ میراث، ۸، ۷-۳۴.
- بزرگ بیگدلی و دیگران شهید و اکرم کرمی. (۱۳۹۸). ولایت‌نامه نوع ادبی عامیانه در حوزه شعر شیعی. *مجله فرهنگ و ادب عامه*، ۷ (۲۷)، ۲۱۵-۲۴۲. Dor:20.1001.1.23454466.1398.7.27.9.9
- ذوالفقاری، حسن. (۱۳۹۲). درمان عامیانه ایران. *مجله طب سنتی اسلام و ایران*. ۴ (۲)، ۱۳۷-۱۶۰.
- ذوالفقاری، حسن، باقری، بهادر. (۱۳۹۴). مهم‌ترین ویژگی‌های افسانه‌های پهلوانی ایرانی. *فصلنامه مطالعات فرهنگ - ارتباطات*، ۱۶ (۳۰)، ۷-۳۹.
- شریلو، ملیحه و دیگران. (۱۳۹۵). عناصر فرهنگ و کنش‌های عامیانه در داستان‌های زن معاصر. *زن در فرهنگ و هنر*، ۸ (۱)، ۱-۲۲.
- علی پور سعدانی، رضا، شیخ زاده، مرجان. (۱۳۸۸). اشیاء جادویی در فرهنگ عامه ایران و تأثیر آن در نقاشی مکتب سقاخانه. *باغ نظر*، ۶ (۱۱)، ۵۳-۶۸.
- فاضلی، نعمت‌الله. (۱۳۸۰). فرهنگ عامیه و ادبیات عامیانه فارسی. *کتاب ماه هنر*، ۴ (۳۹) و ۴۰، ص ۸۲.
- میری، میرهاشم. (۱۳۸۰). *فرهنگ فارسی عامیانه (نقد و بررسی کتاب)*. رشد معلم، (۱۶۴)، ۶۲-۶۰.
- ناصح، محمدمهدی. (۱۳۷۸). *خاوران‌نامه نوش‌داروی جانبخش ابن‌حسام*. مرکز خراسان شناسی، (۲)، ۱۲۹-۱۴۶.

References

Books

- Afrashi, Azita (2009) *The construction of the Persian language*, Tehran: Samt.
- Afshari, Mehran (2008) *New to new, new to new*, second edition, Tehran: Cheshme.
- Bagheri, Mehri (2010) *Introduction to Linguistics*, Tehran: Payam Noor.
- Bahar, Mohammad Taqi (2008) *Diwan Malek Al-Shoara Bahar*, Tehran: Negah.
- Beyhaghi, Hossein Ali (1986) *Research and study of the common culture of Iranian people*, Mashhad: Astan Quds Publications.
- Chardin, Jean (1993) *Chardin's travel book*, translated by Iqbal Yaghmai, Tehran: Tos.
- Damavandi, Mojtabi (2005) *Magic in ethnic groups, religions and its reflection in Persian literature*, Semnan: AbruKh.
- Dehkhoda, Ali Akbar (2006) *Dictionary*, Tehran: University of Tehran.
- Falsafimiyab, Ali and Elina Rezaei and Shima Reshnavadi (2008) *Ethnography of Abadan city*, Cultural Heritage Organization of Khuzestan Province, preserved in

the archives of Anthropology Research Institute, Handicrafts and Tourism Organization of Tehran.

Gardizi, Abu Saeed Abdul Hai Bin Dahhak Bin Mahmoud (1984) *Zain al-Akhbar*, researched by Abdul Hai Habibi, Tehran: World of Books.

Hori, Abolfazl (2013) *Imaginative Kelk*, Tehran: Ni.

Ibn Hussam (No date) *Khavarnameh, the battles of Hazrat Ali (AS) known as Jangnameh*, manuscript preserved in the National Library No. 23721.

Junidi, Fereydoun (1979) *Aryan life and migration*, Tehran: Balkh.

Mahjoub, Mohammad Jaafar (2007) *Folk Literature of Iran*, Tehran: Cheshme.

Mircha's Iliad (1986) *the myth of eternal return*, translated by Bahman Sarkarati, Tabriz: Nima.

Moin, Mohammad (1985) *Farhang Farsi*, Volume 6, Tehran: Amirkabir.

Najafi, Abolhasan (1999) *Persian folk culture*, Tehran: Nilofer.

Rawandi, Morteza (2012) *Social History of Iran*, Tehran: Rozbahan.

Safa, Zabihullah (1984) *Epic writing in Iran*, Tehran: Amir Kabir.

Sarafi, Mohammad Reza (2011) *Kerman Folk Beliefs*, Kerman: Bahnar.

Sattari, Jalal (1994) *The face of a woman in the mirror of Persian poetry in Iranian culture*, Tehran: Center.

Sipak, Yiri (2008) *Iranian Folklore Literature*, translated by Mohammad Akhgari, Tehran: Soroush and Center for Studies.

Tarounieh, Jean Baniste (2010) *Tarounieh's travel book*, translated by Hamid Arbabi Shirani, Tehran: Nilofer.

Tarsousi, Mohammad Bin Hasan (1977) *Darabnameh*, by the efforts of Zabihullah Safa, Tehran: Book Translation and Publishing Company.

Warner, Rex (2007) *Encyclopedia of Mythology*, translated by Abulqasem Esmailpour, Tehran: Astoreh.

Zarinkoob, Abdul Hossein (1989) *Naqsh Bar Ab*, Tehran: Moin.

Zulfiqari, Hassan (2014) *Folk Beliefs of Iranian People*, Tehran: Cheshme.

Zumardi, Hamira (2012) *Comparative criticism of religions and mythology in Shahnameh Ferdo C.*, Tehran: Zovar.

Articles

Afshari, Mehran. (1389). A search in the history of reading and... *Mirror of Heritage*, 8, 7-34.

Alipour Saadani, Reza, Sheikhzadeh, Marjan. (1388). Magical objects in the general culture of Iran and its influence on the painting of the Saqqakhane school. *Bagh Nazar*, 6(11), 53-68.

Bozor Bigdali and others Sahid and Akram Karmi. (2018). Velayatnameh is a folk literary genre in the field of Shiite poetry. *Journal of Popular Culture and Literature*, 7 (27), 215-242. dor: 20.1001.1.23454466.1398.7.27.9.9.

Fazli, Nematullah. (2001). Folk culture and Persian folk literature. *The book of the month of art*, 4(39 and 40), p.82.

Naseh, Mohammad Mahdi. (1378). Khavarannameh of Janbakhsh Janbakhsh. *Khorasan Science Center*, (2), 129-146.

Sharilo, Maleeha and others. (2015). Elements of culture and folk actions in contemporary women's stories. *Women in Culture and Art*, 8(1), 1-22

You go, I leave. (2001). Persian folk culture (review of the book). *Rushd Moalem*, (164), 60-62.

Zulfiqari, Hassan, Bagheri, Bahadur. (2014). The most important features of Iranian heroic legends. *Quarterly Journal of Culture-Communication Studies*, 16(30), 7-39.

Zulfiqari, Hassan. (2012). Folk medicine of Iran. *Journal of Traditional Medicine of Islam and Iran*. 4(2), 137-160.



Scientific Quarterly of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature Texts
(Dehkhoda)

Volume 14, Number 53, Fall 2022, pp. 141-168

Date of receipt: 4/7/2020, Date of acceptance: 26/8/2020

(Research Article)

DOI: [10.30495/dk.2022.694816](https://doi.org/10.30495/dk.2022.694816)

۱۶۸

The manifestation of popular culture in the KhavaranNameh of Ibn Hussam e Khosafi

Sedighe Karimi¹, Dr. Mohammad Reza Amini²

Abstract

Ibn al-Hussam's KhavaranName is a epos that tells imaginary stories of the travels, heroic acts, and battles of Imam Ali (as) against the infidels. It is often considered as an epic work due to its epic features, although the features of popular literature have become so prevalent that it has largely deviated from the classical Persian epics. This feature shows that Ibn Hussam had a direct connection with the masses. Based on this view, in the present article, an attempt has been made to determine the most important folk elements of this work and how they are used. To achieve this goal, first the mass beliefs and thoughts of the people, and then some folkloric features of the narrative are examined, and finally the use of the slang language in its vocabulary is studied. This research shows that the KhavaranName is an artistic phenomenon that has originated from the life of the people and has been mixed with various manifestations of the mass life of the people in different ways. As a result, the dramatic crystallization of popular elements has made KhavaranName closer to popular literature.

Keywords: Folk Literature, Folk culture, Orientalism, Folk Language, Religious Systems.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



¹ . PhD student, Department of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran. sedighekarimi63@yahoo.com

² . Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Shiraz University, Shiraz, Iran. (Corresponding author) mza130@yahoo.com